رسانه و سینما

۱۰۰ سرویس YAHOO در یک نگاه . . ۱۶
کارگردانان در تابستان گرم و طولانی . . ۱۷

ادبیات و کتاب

گفت‌وگو با فرشته مولوی، نویسنده ۱۸
کارنامه دکتر عباس زریاب‌خویی . . ۱۹

حکمت و اندیشه

ترجمه‌پذیری قرآن ۲۰
فقط کلیک کنید ۲۱

تاریخ مشروطه

گام به گام تا ملی شدن نفت ۲۲

عکس: مهدی حسنی، شرق

گزارشی از پشت صحنه برنامه تلویزیونی «یک جهان، یک جام»

جهانی به دنبال یک توپ

مهدی عزیزی

در جهان پیرامون ما حوادث و رویدادهای فراوانی به چشم می‌خورند که توجه اغلب قریب به اتفاق رسانه‌های خبری و تحلیلی در جهان را به خود جلب کرده‌اند. در هشتاد سال گذشته در کنار بروز جنگ‌های جهانی اول و دوم، تشکیل سازمان ملل متحد، اشغال فلسطین، انقلاب اسلامی ایران، فروپاشی شوروی سابق، جدایی چند جمهوری از یوگسلاوی و سقوط دیکتاتور بزرگ عراق صدام حسین، جام‌جهانی فوتبال که در سال ۱۹۳۰ از کشور اروگوئه آغاز شد شاید یکی از بزرگترین رویدادهایی باشد که در کنار جلب توجه رسانه‌ها، توجه مردم دورترین و ناآشناترین کشورهای جهان را متوجه خود می‌سازد. حال این پدیده در سرزمین ما به دلیل علاقه‌مندی مردم به رشته فوتبال، طرفداران بی‌شماری دارد. حتی اگر حضور سه دوره‌ای ایران در این رقابت‌ها را در نظر نگیریم، از علاقه‌مندان جام‌جهانی کاسته نخواهد شد. در این میان بی‌تردید رسانه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در پیگیری مخاطبان خاص و عام دارند. آنها با تدوین و پیش‌بینی یک برنامه اصولی می‌توانند در بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در میان تماشاگران یک برنامه تلویزیونی به ارتقای سطح فرهنگی جامعه نیز کمک کنند. حال شما مخاطب چنین برنامه‌ای باشید یا نباشید، موجی که از سوی یک برنامه در سطح جامعه نقش می‌بندد و می‌تواند هر کسی را بی‌واسطه تحت‌تاثیر قرار دهد. علاقه مردم به ورزش فوتبال و تغییر نگرش آنان، سبب شده تا تهیه‌کنندگان برنامه‌های تلویزیونی با توجه به این نکته که پخش این برنامه در رسانه‌های جهان تنها از طریق شرکت‌های خصوصی امکان‌پذیر است و این اتفاق در ایران توسط رسانه ملی یا همان صداوسیما صورت می‌گیرد، توجه ویژه‌ای به برنامه‌ریزی این اتفاق نشان دهند. رسانه ملی ما در این سال‌ها با توجه به ذائقه مردم تلاش کرده است با ایجاد فضایی صمیمی و حرفه‌ای توجه عمومی مردم را جلب کرده و آنها را ساعت‌ها پای گیرنده‌هایشان نگه دارد. بدعت‌گذاران برنامه‌ای همچون نود که در سال‌های ابتدایی‌اش به کپی‌برداری از برنامه‌های شبکه‌هایی چون ZDF آلمان و RAI ایتالیا و . . . محکوم می‌شدند سبب شد تا تهیه‌کنندگان همان رسالتی را که نود پی گرفته بود ادامه دهند و مباحثی چون داوری، نقد فنی و زیبایی‌شناسانه فوتبال را پی بگیرند. گام رو به جلوی رسانه ملی که آن را در تاسیس شبکه رادیویی ورزش، تولید و احیای بخش‌های مختلف ورزشی شبکه‌های تلویزیونی و پخش زنده مهمترین مسابقات لیگ‌های حرفه‌ای اروپا می‌توان دید، تا آغاز مسابقات جام‌جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان به پیش رفت و در کنار تمام کاستی‌ها کمتر کسی را متوجه ضعف‌های این برنامه‌ها ساخت. شبکه سوم سیمای جمهوری اسلامی در پخش مستقیم مسابقات جام‌جهانی فوتبال همانند سال‌های گذشته ثابت قدم بود و این مسابقات را در برنامه‌ای با عنوان «جام هجدهم» به صورت زنده پخش تلویزیونی کرده است. در ادامه برنامه، ویژه برنامه‌ای با نام «یک جهان، یک جام» به تحلیل بنیادین مسابقات از منظر داوری فوتبال، زیبایی‌شناسی فوتبال و نقد و تحلیل فنی و تاکتیکی فوتبال اقدام کرده است. این برنامه هر شب پس از آخرین مسابقه، توسط کارشناسان فوتبال و داوران فوتبال، آخرین جام‌جهانی و حوادث آن را به چالش می‌کشد. بی‌شک برای علاقه‌مندانی که پیگیر و مداوم به تماشای این برنامه می‌نشینند، جالب خواهد بود بدانند مجریان و کارشناسان و همچنین تهیه‌کنندگان برنامه براساس چه معیارها و اطلاعاتی با مخاطبان خود ارتباط برقرار می‌کنند. بنابراین تهیه گزارشی از این برنامه می‌توانست پاسخگوی سئوالات ما و بینندگان تلویزیونی باشد. از طریق حسن زارعی دستیار برنامه «جام هجدهم» و «یک جهان، یک جام» زمانی مشخص شد تا از برنامه زنده گزارشی تهیه کنیم. این برنامه در ساختمان سیزده‌طبقه‌ای پخش سیما، تهیه و تدارک دیده شده است. ساختمانی که جزء قدیمی‌ترین بخش‌های فضای بزرگ سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران است.

در استودیوی ۱۴ باز بود و چندین نفر در حال آمد و شد. از همان اتاق فرمان چهره پیمان یوسفی و مرتضی محصص آشنا به نظر می‌رسد. حسن ذکایی، تهیه‌کننده برنامه، پس از خوشامدگویی، تقریباً همه چیز را آماده تهیه گزارش کرد. البته چون مسابقه آلمان و سوئد در حال پخش بود، صرفاً باید از مشاهداتمان یادداشت برمی‌داشتیم. چهره‌های آشنا و ناآشنایی را می‌توانستیم ببینیم. هومن حاجی عبدالهی و آقای شریفی‌نیا که اسمش آدم را یاد شریفی نیای سینما می‌اندازد، در تدارک قرعه‌کشی جام طلایی شانزدهم بودند و تقریباً توجه همگی را به خود جلب کرده بودند. اگر اغراق نباشد محیط صمیمانه استودیو ۱۴ نکته بسیار مثبتی بود که نمی‌توان به راحتی از کنارش گذشت. برخورد دوستانه و محترمانه همگی عوامل تولید این برنامه، رنجش تهیه گزارش از پشت صحنه سریال‌های تلویزیونی را جبران می‌کرد. به هر حال دستشان درد نکند، لااقل اینجا دیگر آدم را از موضع بالا نگاه نمی‌کنند. بالاخره پخش و کارشناسی مسابقه فوتبال به اتمام می‌رسد و اولین کسی که باید با او صحبت کنیم مرتضی محصص کارشناس برنامه، دانش‌آموخته تربیت بدنی از آمریکا است. او که در حال حاضر مدرس فیفا است و پیش از این در کادر فنی تیم‌هایی چون: استقلال، پاس، استقلال اهواز و کاشی یزد (شهید قندی یزد) حضور داشته، درباره اهمیت پخش برنامه‌های ورزشی (فوتبال) از تلویزیون و تاثیر آن بر مخاطب می‌گوید: جام‌جهانی جذبه مخصوص خودش را دارد، شما اگر یک بازی فوتبال را از دید یک تماشاچی و یا یک علاقه‌مند به فوتبال نگاه کنید، علاقه‌مند می‌شوید زمانی که یک تیم در حال حمله است یا تیم دیگر در حال دفاع است، وضعیت‌ها و موقعیت‌هایی را که حین بازی به وجود می‌آید بفهمید و بتوانید تحلیل کنید. به طور مثال اینکه چرا این تیم اصرار به پاس‌های کوتاه دارد و یا پاس بلند به چه دلیل است، دلیل گل خوردن چه بوده و هزاران چرای دیگر، که اگر آگاهی کافی داشته باشیم این تحلیل بیشتر می‌شود و در نتیجه لذت بردن از تماشای بازی فوتبال نیز بیشتر می‌شود. فرد وقتی نقش مدافعین و مهاجمین را در بازی بداند، خیلی بیشتر از بازی لذت می‌برد و استفاده بیشتری می‌کند، تا کسی که آگاهی زیادی ندارد و فقط از فوتبال این را می‌داند که باید وارد محوطه جریمه شود و حالا به هر صورت یا گل زده شود و یا تیم مورد علاقه‌اش گل بخورد، این فرد فقط چشمش به دنبال توپ است، شما وقتی عکس‌العمل‌هایش را می‌بینید فقط صحنه گل برایش مهم است و حتی شاید گاهی وقت‌ها از بقیه بازی کمی کسل شود و فکر کند دلیل این به هم پاس دادن و یا پاس بلند و کوتاه چیست و یا دلیل تاخیر در بازی و یا خشونت کدام است؟ چنین فردی قطعاً بسیار کمتر از یک فرد آگاه از دیدن بازی فوتبال استفاده می‌کند. رسانه‌های گروهی بدون تردید می‌توانند با این آگاهی دادن به مردم کمک کنند. بدون شک با خواندن مطالب گوناگون در جراید و همین گفت‌وگوهایی که بین ما شکل می‌گیرد تا نظراتمان را بیان کنیم، آگاهی‌ها بیشتر می‌شود. محصص در ادامه می‌افزاید: من فکر می‌کنم از حدود ۵ سال پیش در ایران کیفیت مقاله‌هایی که راجع به فوتبال است، کیفیت کار فوتبال‌نویسان و برنامه‌های تلویزیونی، خیلی بهتر شده است و این خود به خاطر پیگیری در جمع‌آوری اطلاعات و آگاهی بیشتر است. مردم برای به دست آوردن اطلاعات به رسانه‌ها رجوع می‌کنند و این یکی از مهم‌ترین مسائلی است که تهیه‌کنندگان و سازندگان برنامه‌های تلویزیونی و رسانه‌های دیگر باید به آن توجه کنند تا بتوانند این بخش از نیاز مخاطبان را برطرف کنند. نکته جالب و خوشایند این است که همان طور که مردم می‌خواهند با دیدن یک برنامه تلویزیونی و یا رادیویی، اطلاعات بیشتری در مورد مسائل مورد علاقه‌شان به دست آورند کارشناسان و مجریان این برنامه‌ها نیز برای اینکه بتوانند این بخش از هدف برنامه را به نتیجه برسانند، به طور مداوم در حال جمع‌آوری اطلاعات و بالابردن سطح آگاهی خود هستند. این مسئله در هر چه بهتر شدن برنامه‌ها نیز موثر خواهد بود. مرتضی محصص به عنوان کارشناسی که در این مدت شب‌های زیادی در برنامه «یک جهان، یک جام» حضور داشته، در این مورد از خود مثال می‌آورد و می‌گوید که برای شرکت کردن در بخش کارشناسی این برنامه در چند ماه گذشته به اینترنت، کتب و نشریات مختلف رجوع کرده تا سطح آگاهی‌های خود را بالاتر ببرد تا بتواند اطلاعات بیشتری را در اختیار مخاطبان قرار دهد.

رضا جاودانی که از مجریان و گزارشگران این برنامه است نیز در این‌باره نظرات قابل توجهی دارد. جاودانی که تحصیلاتش را در رشته حقوق قضایی و کارشناسی ارشد جرم‌شناسی گذرانده است از مجریان پرکار شبکه سوم سیما است که علاوه بر گزارشگری فوتبال، مجری مسابقه قوی‌ترین مردان ایران نیز هست. وی در ارتباط با جمع‌آوری اطلاعات برای ارائه در برنامه‌های جام هجدهم می‌گوید: من حدوداً از سه ماه قبل از شروع جام‌جهانی ارتباطم را با دنیا بیشتر کردم، اینترنتم را بیست و چهار ساعته on line کردم تا بتوانم جدیدترین اطلاعات را در مورد بازی‌ها و مسائل مختلف مربوط به آن به دست آورم. من اطلاعات را جمع‌آوری می‌کنم حالا این اطلاعات کی قرار است بروز کند و یا کی به کار برده می‌شود دیگر بستگی دارد به زمانی که در اختیار من است و جوی که می‌طلبد تا اطلاعات را در اختیار بیننده قرار دهیم. این زمان مناسب دادن اطلاعات بسیار پراهمیت است، به طور مثال در حین اینکه بازیکنان برای شروع بازی وارد زمین می‌شوند، مردم عطش دارند ببینند ستاره‌های مورد علاقه‌شان چگونه از راهرو وارد زمین می‌شوند و اگر در چنین شرایطی مثلاً بگوییم آلمان این قدر بازی کرده، برای مردم جالب نیست. پس زمان دادن اطلاعات بسیار مهم است. وی در ادامه می‌افزاید: اما من موظفم که اطلاعات کافی داشته باشم تا اگر زمانی احساس کردم که موقعیت مناسبی برای ارائه اطلاعات است، بگویم ولی مسائل اصلی را نباید فدای دادن اطلاعات کنیم، اطلاعات بی‌موقع و همین طور خیلی مسائل را هم نباید فدای نگفتن اطلاعات کنیم.

جاودانی باز هم از تلاش برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر دست برنمی‌دارد و برای اینکه اگر زمانی در طول برنامه لازم شد اطلاعات بیشتری در اختیار مردم قرار دهد، با کمبود اطلاعات مواجه نشود همچنان دست به جمع‌آوری اطلاعات می‌زند و به گفته خودش روزانه پنج تا شش ساعت در اینترنت است. با صفحات ورزشی کلنجار می‌رود تا اطلاعات خود را هر چه بیشتر کند. آگاهی دادن به مردم در بالابردن سطح اطلاعات آنها و حتی در نوع برخورد آنها با مسائل نیز تاثیرگذار است. مردم با دریافت این‌گونه اطلاعات می‌توانند تحلیل درست‌تری داشته باشند و به گفته مرتضی محصص لذت بیشتری از مشاهده بازی فوتبال ببرند. این مسائل آرام آرام باعث تغییر نگرش مردم نسبت به مسائل پیرامون به ویژه فوتبال که بحث اصلی این نوشتار است، می‌شود. رضا جاودانی در مورد این تغییر رفتار مردم می‌گوید: یکی از مسائلی که کاملاً در این سال‌های اخیر به طور مشخص در نحوه نگرش مردم تاثیر گذاشته بحث داوری است که برنامه نود آن را پیگیری می‌کند. این تغییر نگرش در رفتار مردم کاملاً مشهود است. اکنون مخاطب تشخیص می‌دهد که توپ خورده به دست یا دست خورده به توپ. اگر تغییر نگرش مردم را جزیی از فرهنگ رسانه بدانیم، این پدیده بسیار تاثیرگذار خواهد بود. اما مقوله فرهنگ بسیار پیچیده است و به عوامل بسیاری بستگی دارد. جاودانی در ادامه توضیح می‌دهد که یکی از این عوامل مدت زمان پخش یک برنامه است و دیگری هدفی است که برنامه دنبال می‌کند. وی در این ارتباط می‌گوید: از برنامه‌ای که به طور ویژه یک ماه برای جام‌جهانی به روی آنتن می‌رود و هدفش صرفاً پخش مسابقات است نمی‌توان انتظار داشت به اندازه، برنامه‌ای که به طور مداوم و در طولانی‌مدت پخش شده، تاثیر بگذارد. این برنامه‌ها به دلیل اینکه مقطعش کوتاه است نمی‌تواند آن قدر به تغییر نگرش مردم کمک کند، به ویژه آنکه همان طور که گفتم، هدف اصلی پخش مسابقات است و دادن اطلاعات جزء اهداف جانبی است که البته این اطلاعات ارائه می‌شود، اما باید زمان ارائه‌اش مناسب باشد. جاودانی به نکته جالبی اشاره می‌کند، که اگر بتوانیم در رسانه یاد بگیریم به جای اینکه عصبانی بشویم، حرف بزنیم قطعاً بر روی مقوله فرهنگ که مقوله پیچیده‌ای است می‌توانیم تاثیرگذار باشیم. در این زمان بازی به پایان می‌رسد و فرصتی پیش می‌آید که بتوانیم با پیمان یوسفی دیگر گزارشگر بازی‌های جام‌جهانی صحبت کنیم. یوسفی که از گزارشگرانی است که در کنار عادل فردوسی‌پور و مزدک میرزایی در این سال‌ها بسیاری از مسابقات پرطرفدار را گزارش کرده، جزء مجریانی است که در ایران جام‌جهانی را تحت پوشش قرار می‌دهد و اعتقاد دارد که این برنامه‌ریزی صدا و سیما بسیار درست بوده که با فرستادن یک گزارشگر به آلمان، تعدادی گزارشگر را هم برای درست اجرا شدن برنامه‌ها در تلویزیون مشخص کرده است. یوسفی در مورد رشد فرهنگی بیننده و تاثیر رسانه در این رشد می‌گوید: این تاثیر بسیار زیاد است، ولی به صورت تفسیری به عوامل محیطی و شرایط موجود در جامعه بستگی دارد. به طور مثال، اگر فرض کنیم اجتماع فقط متاثر از رسانه‌ای چون تلویزیون باشد، آن هم یک شبکه خاص تلویزیونی، به تبع این بعد تاثیرگذاری بسیار بیشتر خواهد شد، اما زمانی که یک مقدار فضا بازتر می‌شود، شبکه‌های متعدد تلویزیونی و رادیویی و همچنین رسانه‌های مکتوب به این عرصه وارد می‌شوند، یک مقدار از آن تاثیرگذاری صرف کم می‌شود. اما باز هم رسانه نقش خاص خود را دارد و نمی‌توان منکر این تاثیرگذاری شد. در مورد آگاهی دادن به مخاطب صحبت کردیم. اما این اطلاعات باید چگونه در اختیار مردم قرار بگیرد. اطلاعات را کارشناسان با بررسی و تحلیل بازی فوتبال در اختیار مخاطبان قرار می‌دهند. شاید برای ما جالب باشد که بدانیم این کارشناسان چگونه انتخاب می‌شوند؟ چه معیارهایی برای انتخاب آنها وجود دارد؟

آیا این انتخاب صرفاً نسبت به بازی دو تیم و یا به معلومات کارشناس بستگی دارد؟ یادمان نرود که این کارشناسان چون در یک رسانه مکتوب نیستند و قرار است در رسانه‌ای دیداری-شنیداری اطلاعات‌شان را در اختیار مردم قرار دهند باید از قدرت انتقال خوبی برخوردار باشند و بتوانند ارتباط خوبی با مخاطب برقرار کنند. پیمان یوسفی با گفتن این مطالب به این نکته نیز اشاره می‌کند که داشتن اطلاعات و معلومات شرط لازم برای کارشناس است اما شرط کافی نیست، در حقیقت کارشناس باید از قدرت تکلم و بیان بالایی برخوردار باشد تا بتواند اطلاعات خود را در اختیار مخاطب قرار دهد. یوسفی در ادامه می‌گوید: اگر فرض کنیم یک کارشناس از صددرصد اطلاعات موجود، هشتاد درصد آن را در اختیار داشته باشد اما به دلیل نداشتن توان ارائه آن فقط بتواند ۴۰درصد را در اختیار مردم قرار بدهد در مقایسه با کارشناسی که فقط شصت درصد آگاهی دارد اما توان بیانش آن‌قدر زیاد است که می‌تواند ۵۰درصد آن اطلاعات را ارائه دهد قطعاً ارجحیت با فرد دوم است. چون این بحث ارتباط با مخاطب یکی از مهمترین ملاک‌ها در انتخاب برای رسانه به شمار می‌آید. نکته دیگر در انتخاب جامعه است، اینکه مخاطب در طول این دوران به کدام کارشناس پاسخ داده و ارتباط بهتری با آنها برقرار کرده. در هر صورت تمام این مسائل در انتخاب یک کارشناس برای چنین برنامه‌های پربیننده‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد. وقتی بحث به انتخاب کارشناس می‌رسد، شاید این سئوال برای بسیاری از خوانندگان نیز پیش بیاید که چطور ممکن است کسی که مربی خوبی نبوده و در طول مربیگری‌اش ایرادهای بسیار زیادی به وی وارد شده حالا می‌تواند یک کارشناس باشد، آن هم برای چنین برنامه پرمخاطبی! آیا کسی که مربی خوبی نبوده می‌تواند یک کارشناس خوب باشد؟ آیا این دو لازم و ملزوم هستند؟ قطعاً اینها بخشی از سئوالاتی است که در طول این شب‌ها با دیدن چهره آشنای بعضی از کارشناسان این برنامه در ذهن شما شکل گرفته. برای اینکه بتوانیم به پاسخ این سئوال‌مان برسیم، با مرتضی محصص صحبت می‌کنیم که هم مربی بوده و هم کارشناس. محصص برای پاسخ دادن به این سئوال ما از جام‌جهانی مثال می‌آورد؛ محصص می‌گوید: «در همین جام‌جهانی مربیانی حضور دارند که در بازی موفق نبوده‌اند یعنی به‌عنوان بازیکن موفق نبوده‌اند، مانند «کارلوس پاهیرا» که در سطح بازی فوتبال در برزیل بسیار پایین است و شاید در حد دسته چهار و پنج باشد، اما در مربیگری ویژگی‌هایی دارد که وی را تبدیل کرده به یک مربی خوب.

ادامه در صفحه ۱۷

یادداشت

سهم ما از تقصیر دیگران

عباس نعمتی*

میان مصاحبه و نوشتن متنی درباره «اولین شب آرامش» نوشتن را انتخاب کردم چون می‌تواند حشو و زواید کمتری داشته باشد و شاید هم دقیق‌تر نوشته شود.

اولین شب آرامش، گویا این روزها سریالی است که گرفته. نمی‌دانم این خوب است یا نه اما مطمئنم خوشحالم. نمی‌دانم خوب است یا بد، چون سطح توقع از کار بعدی بی‌خودی بالا می‌رود و انسان در نوشتن کار بعدی مدام نگران است و وسواسی چند برابر می‌گیرد، همین اتفاقی که حالا هم افتاده و باعث شده زمان نوشتن فیلمنامه جدید حداقل دو برابر شود. پارسال اولین شب آرامش چهارماهه نوشته شد و در کار جدیدم شده هشت‌ماه. آن روز خیلی دلی‌تر و وحشی‌تر و خودبه‌خودتر می‌نوشتم و حالا همه‌اش شده ترس از واکنش مخاطب! پارسال تمام تلاشم این بود خودم با فیلمنامه زندگی کنم و راضی باشم، حالا این دغدغه شده دغدغه چندم! همه‌اش می‌ترسم نکند این یکی بد شود و بیمارگونه هزار بار کلمه به کلمه فیلمنامه جدیدم را عوض می‌کنم. کار به جایی رسیده که خانواده‌ام اخیراً می‌گفتند در خواب داشتم درباره فیلمنامه صحبت می‌کرد و بهم می‌خندند. اولین شب آرامش را سعید شاهسواری در آخر اسفند ۸۳ به من پیشنهاد کرد. طرحش توسط محمدرضا هاشمیان و سعید شاهسواری نوشته شده بود. دو سال قبل‌تر. طرح اولیه را چند ماه قبل خوانده بودم و راستش ابتدا به مذاقم خوش نیامده بود.

وقتی هم شروع کردم بیشتر دلیلش تیم خوب بود تا طرح. اما وقتی شخصیت‌ها در فیلمنامه جان گرفتند و قصه‌های جدید اضافه شد به قلابش افتادم و رفته‌رفته شد چیز قابل قبول. آن‌قدر با تک‌تک قهرمان‌ها دوست شدم که مثلاً یکی از قهرمان‌ها که نمی‌خواهم اینجا لو برود، کشته شد، گریه کردم. شاید مسخره باشد. یکی دو روز دپرس بودم. با خیلی از کنش‌ها و رفتارهای شخصیت‌ها در داستان از نظر اخلاقی موافق نیستم، اما وقتی تحلیل و ریشه‌یابی می‌کنی می‌بینی قابل درک و فهم است و سهم ما از اشتباه و تقصیر دیگران چقدر است. چیزی که در زندگی روزمره هم خیلی زیاد است. وقتی بیجه را دار زدند، همان روز در یکی از روزنامه‌ها خبر مراسم را خواندم. در آن لابه‌لا نوشته بود از بیجه در کودکی سوءاستفاده شده بود. در مراسم اعدامش چند ده هزار نفر کف و سوت زدند و من مدام با خودم درگیر بودم، از کجا معلوم یکی از آنها که کف و سوت می‌زد همان فرد نباشد. بیجه را تبرئه نمی‌کنم. می‌خواهم بگویم چقدر «ما مردم» در جنایت، بزه، اشتباه و تقصیر دیگران مقصریم و راحت درباره مردم اظهارنظر می‌کنیم.

یادم نمی‌رود، آن روز با دوست عزیزم همایون اسعدیان بودیم و هر دو پکر و دمغ. بیجه مرد اما ما که زنده‌ایم، ما چقدر مقصریم؟ پیمان داستان ما عین بیجه است. برای من واقعاً همین‌طور است. آدمی که از کودکی بهش ظلم شده، تو سری خورده، تحقیر شده و حالا که طغیان کرده، حالا ما مردم در اشتباه او چقدر مقصریم؟

رفیع ملکی؟ زرین؟ نوشین؟ فرزاد و . . .

علیرضا هم به نحو دیگر، آذر در ارتباط عاطفی با او، غیرمسئولانه ظاهر می‌شود و معتقد است به ندای عشق‌اش پاسخ گفته که از علیرضا به سمت فرزاد رفته، اما این آذر خوب و معصوم که فکر می‌کند کار خیلی عجیب و غریبی انجام داده چه می‌داند با دل و زندگی علیرضا چه کرده است؟ در اینکه آذر دختر خوبی ترسیم شود با چهره‌ای معصوم اصرار داشتم. چون عمق فاجعه جایی است که دختری از جماعت خوبان این کار را بکند. بزرگترین ویژگی این فیلمنامه برای من همین بود. «سهم ما مردم از تقصیر دیگران».

نسبت فرد با اجتماع. ما مردم که همیشه خوب هستیم و یک عنصر نامطلوب که ناگهان معلوم نیست از کجا پیدایش می‌شود و آسایش ما خوبان را به هم می‌زند و ما خوبان با هزار جان کندن عنصر نامطلوب را حذف می‌کنیم و سریع هم از او تبری می‌جوییم و بعد روز از نو، روزی از نو. ما خوبان باقی می‌مانیم تا باز یک عنصر نامطلوب پیدا شود و کسی نیست که بپرسد نقش ما در این میانه چیست.

از روز اول تعطیلات نوروز درگیر کار شدم. دو سه روزی مانده بود به نوروز. صبح می‌آمدم دفتر و شروع می‌کردم تا نیمه‌های شب. شاهسواری هم بلااستثنا می‌ماند و تا پاسی از شب بحث و گفت‌وگو می‌کردیم. تا ۱۵ فروردین، ۳ قسمت نوشتم. امینی بعد از تعطیلات آمد و اتفاقاً خیلی هم نگران متن بود. خواند و پسندید. بعد از چند مدتی بهرام عظیم‌پور هم به تیم ما اضافه شد. ایشان برای انتخاب بازیگران آمده بود. شدیم چهار نفر. ظهرها ناهار خورده یا نخورده، پشت میز می‌نشستیم و تقریباً سه ساعت بحث می‌کردیم. ابتدا من سیناپس هر قسمت را می‌نوشتم. در جمع بحث می‌شد. می‌رفتم می‌نوشتم تا نیمه شب و می‌رفتم خانه و فیلمنامه را می‌گذاشتم روی میز شاهسواری. فردا نزدیک‌های ساعت ۱۲ که می‌آمدم، آنها خوانده بودند و باز جلسه‌ای. نظرات خیلی بی‌رودربایستی داده می‌شد. فضا، فضای همکاری بود و همه تقریباً حال و هوای همدیگر دستمان آمده بود. بعد از جلسه باید تا شب اصلاح می‌کردم.

***فیلمنامه‌نویس اولین شب آرامش**

ادامه در صفحه ۱۷